



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-7786

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

زمان پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۳/۱۵

پدیدارشناسی یادگیری مستمر: چالش‌ها و فرصت‌ها در مدارس معاصر

فریبا تاج‌وند، فاطمه عسکری نژاد، فاطمه اقاچانی، فریما نگهداری، فاطمه گله بدیل
کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، مرکز آموزش عالی حضرت خدیجه کبری (س) دزفول

چکیده

در قرن جدید، مفهوم یادگیری مستمر به عنوان یک رویکرد نوین در عرصه آموزش و پرورش به تدریج وارد تازه‌ترین تفکرات و سیاق‌های آموزشی شده است. این انتقال از دیدگاه سنتی به دیدگاه پویای یادگیری، به طور چشمگیری بر تجربیات و مسیرهای یادگیری فرد تأکید می‌کند و با مفهوم یادگیری به عنوان یک سفر دائمی، ارتباط برقرار می‌کند. مفهوم پدیدارشناسی یادگیری مستمر، به ویژه در محیط مدارس معاصر، چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی را ایجاد کرده است. در حالی که این دیدگاه تازه و نوآورانه نقل می‌شود، چالش‌های زیادی نیز با آن همراه است. تغییر نگرش از یادگیری به عنوان یک رویداد محدود به دوره‌های مشخص آموزشی به یادگیری به عنوان یک تجربه دائمی و تداومی، نیاز به سازگاری سیستم‌های آموزشی با این فرآیند جدید را ایجاد کرده است. در این مقاله، ما به بررسی چالش‌ها و فرصت‌هایی که در پیاده‌سازی یادگیری مستمر در مدارس معاصر پیش می‌آید، می‌پردازیم. از جمله چالش‌ها می‌توان به اصلاح ساختارهای سنتی آموزشی، نیاز به آموزش معلمان برای تطابق با این تحولات، و مدیریت داده‌ها و اطلاعات حاصل از یادگیری مستمر اشاره کرد. از سوی دیگر، فرصت‌هایی همچون توسعه مهارت‌های فردی، تحول در روش‌های ارزیابی، و افزایش تعاملات اجتماعی در فرآیند یادگیری به وجود می‌آید. با پرداختن به این چالش‌ها و فرصت‌ها، ما در نهایت به تدوین راهکارها و استراتژی‌های مؤثر برای یادگیری مستمر در مدارس معاصر خواهیم پرداخت. این تدابیر، نه تنها می‌توانند در پاسخ به چالش‌ها کمک کنند بلکه امکانات جدیدی را برای بهره‌وری بالاتر در فرآیند یادگیری فراهم کنند.

کلمات کلیدی: یادگیری مستمر، سیستم آموزشی، مدرسه، پویایی یادگیری، تحول.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-7786

مقدمه

در عصر حاضر، تحولات سریع و پویا در فناوری، ارتباطات و جوامع، نیاز به دیدگاهی جدید نسبت به فرآیند یادگیری و آموزش در مدارس ایجاد کرده است. یکی از این دیدگاه‌های نوین، مفهوم "یادگیری مستمر" است که در آن فرآیند یادگیری به عنوان یک سفر پیوسته و پویا تلقی می‌شود. این رویکرد، پدیدارشناسی یادگیری مستمر نام دارد و به مطالعه چالش‌ها و فرصت‌ها در ارتقاء آموزش و پرورش معاصر می‌پردازد. تغییرات خیره کننده در علم و فناوری امروزه باعث افزایش سریع حجم اطلاعات شده و باعث شده است که برخی از اطلاعات سایت خاص در مدت زمان نسبتاً کوتاهی به روز بودن خود را از دست بدهند. تکیه بر منبع محدود اطلاعات و تلاش برای به کارگیری این اطلاعات در آینده در این دنیای همیشه در حال تغییر به اندازه کافی در نظر گرفته نمی‌شود. برای همگام شدن با این تغییر خیره کننده، ضروری است که فراگیران را در یک سری اطلاعات و برخی مهارت‌ها نیز بیاوریم (حسنی ساطحی و همکاران، ۱۳۹۵).

امروزه برای یک بزرگسال، کسب تجربه یادگیری صحیح و کارآمد، مهم ترین گنجینه ای است که می‌تواند از زندگی گذشته به امروز بیاورد و به آینده بیاورد. به علاوه، این باور رایج وجود دارد که فعالیت‌های آموزشی اجباری ممکن است برای تأمین اطلاعات و مهارت‌های لازم که فرد در تمام طول عمر به آن نیاز دارد کافی نباشد و آموزش باید در طول زندگی ادامه یابد. به همین دلیل، یکی از پارادایم‌های جدید پذیرفته شده هم در مؤسسات آموزش عالی و هم به طور کلی در کل نظام آموزشی امروز «یادگیری مستمر» است. (کلیک و سکزین، ۲۰۰۵). یادگیری مادام‌العمر توسط نهادهای بین‌المللی مختلف با رویکردی کل‌نگر انجام می‌شود و دارای فلسفه «آموزش از گهواره تا گور» است و دارای اهداف کلی زیر است: تعمیم آموزش پیش‌دبستانی هم از نظر کمی و هم از نظر کیفیت، ایجاد یک یادگیری واقعی. پایه در آموزش اجباری، تسهیل پیشرفت از مدرسه به زندگی تجاری، تشویق بزرگسالان به یادگیری، تجدید منابع سیستم و ایجاد هماهنگی بین بخش‌های سیستم (کاتن، ۲۰۰۸).

با توجه به فناوری‌های جدیدی که با سرعت فزاینده‌ای به بازار می‌آیند و تغییرات سریع تکنولوژیکی جهان ما، نیاز به بهبود مستمر مهارت‌ها، دانش و شایستگی‌های مردم است. بنابراین، همه ما باید یادگیرنده مادام‌العمر باشیم تا به روز باشیم، خودمان را توسعه دهیم و مهارت‌های خود را ارتقا دهیم. یادگیری مستمر به عنوان «کلیه فعالیت‌های یادگیری که توسط یک فرد در طول زندگی انجام می‌شود، با هدف بهبود دانش، مهارت‌ها و شایستگی در یک دیدگاه شخصی، مدنی، اجتماعی و/یا شغلی» تعریف می‌شود (دی، ۲۰۲۰).

فعالیت‌های یادگیری ممکن است شامل یادگیری رسمی، غیر رسمی و غیر رسمی باشد. یادگیری رسمی شامل فعالیت‌های یادگیری است که در یک زمینه سازمان‌یافته، برای مثال در یک محیط آموزشی انجام می‌شود. آموزش موسسه یا داخل مدرسه ممکن است در پایان فرآیند یادگیری یک مدرک رسمی (مثلاً دیپلم) اعطا شود. یادگیری غیررسمی بیانگر آن فرآیند یادگیری است که در مجموعه‌ای از فعالیت‌ها اتفاق می‌افتد که به صراحت به عنوان یادگیری تعیین نشده‌اند، اما حاوی یک عنصر یادگیری هستند (مثلاً تمرین نحوه استفاده از یک برنامه/ابزار). یادگیری غیررسمی آن یادگیری است که در طول فعالیت‌های روزمره زندگی اتفاق می‌افتد و شامل یادگیری از تجربیات شخصی است. بنابراین، یادگیری مادام‌العمر شامل فرآیند یادگیری مستمر، کسب و گسترش مهارت‌ها، رفتارها و دانش در طول زندگی فرد است (دانلوپ، ۲۰۱۹).

معنای آموزش و پرورش در قرن بیست و یکم

تغییرات سریع در فناوری اطلاعات، ساختارهای اجتماعی را هم تغییر می‌دهد و هم تغییر شکل می‌دهد. این روند تغییر سریع، به نوبه خود، اصطلاحات و حقایق جدیدی را به همراه داشت. یکی از این اصطلاحات جدید عصر اطلاعات یا جامعه اطلاعاتی است. جامعه اطلاعاتی جامعه ای است که اطلاعات در آن قدرت اساسی و منبع اولیه سرمایه است (کیلچی، ۲۰۲۰). در جامعه اطلاعاتی، اطلاعات به خودی خود یک هدف نیست، بلکه ابزاری است و نیروی اولیه ای است که هر جنبه ای از



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-7786

زندگی اجتماعی را روشن و هدایت می کند. به طور مشابه، اطلاعات یک سبک زندگی، نوعی تفکر و زندگی در یک جامعه اطلاعاتی است. در چنین دوره ای تولید و استفاده از اطلاعات معتبر اهمیت دارد. یکی از ویژگی های جامعه اطلاعاتی فردی است که قادر به یادگیری است. در جامعه اطلاعاتی، فرد باید داده های علمی را درک، تفسیر و استفاده کند. موارد جدید تولید کند و توانایی حل مشکلات را داشته باشد (رینسش، ۲۰۰۷).

اتخاذ تدابیر احتیاطی در برابر پیامدهای احتمالی که فرآیند تغییر در یک جامعه اطلاعاتی ممکن است به همراه داشته باشد و نیز آماده سازی فرد و جامعه برای آینده به گونه ای برای رقابت با خود تغییر بسیار مهم بوده است. ادغام فرد با جامعه اطلاعاتی که به سرعت در حال تغییر است و یافتن جایگاهی که شایسته او در آن جامعه است، به دست آوردن اطلاعات جدید و توانمندی های غنی از طریق یادگیری مستمر و واجد شرایط شدن امکان پذیر می شود (یوردابکان، ۲۰۱۸). طبق نظر کروتز (۲۰۰۸) یک فرد یادگیرنده مادام العمر، آرزوی مستمر برای یادگیری و مسئولیت یادگیری خود را دارد. یک فرد یادگیرنده مادام العمر دیدگاه، رفتار و ارزش های زندگی خود را تجدید می کند. آن شخص همچنین باید «یادگیری بیاموزد». به بیان دیگر، فرد باید به اطلاعات و مهارت های اولیه برای درک و پردازش بهتر اطلاعات مجهز باشد و بتواند فرآیند یادگیری را برای خود سازنده تر کند (کاتن، ۲۰۱۸). بدون این مهارت ها، یا امکان یادگیری کاهش می یابد. یا با تلاش بیشتر می توان کمتر یاد گرفت. در جامعه اطلاعاتی، قضاوت و درک معلمان از دانش آموزان تغییر کرده است. از این زمان به بعد، معلمان باید بر روی نقاطی که دانش آموزان عملکرد بهتر یا موفقیت آمیزی دارند، تمرکز کنند، اما نه بر روی نقص آنها. هدف و مسئولیت اجتماعی آموزش برای جامعه اطلاعاتی جدید تحت نظارت است. بر این مینا، برخی از ویژگی های آموزش به شرح زیر است.

۱- آموزش و پرورش یک هدف اجتماعی برای جامعه اطلاعاتی خواهد داشت. هیچ آموزشی خالی از ارزش ها وجود نخواهد داشت.

۲- سیستم آموزشی مورد بحث باید یک سیستم باز باشد. آموزش باید خدمتی باشد که هر بخش از جامعه بتواند به آن دسترسی داشته باشد. و صرف نظر از مبداء، منبع درآمد یا تحصیلات قبلی، افراد شایسته و موفق باید به آموزش دسترسی داشته باشند و افراد از طریق آموزش در جامعه به سمت بالا حرکت کنند.

۳- مفهومی به عنوان آموزش تمام شده وجود ندارد. حتی کسانی که سطح تحصیلات بالایی دارند نیز باید به مدرسه بازگردند. اکنون آموزش و پرورش نباید به مدرسه محدود شود. هر مؤسسه ای که در حالت «کارفرما» است، باید معلم باشد باید بین مؤسسات آموزشی و شرکت های تجاری همکاری وجود داشته باشد.

۴- باید توجه داشته باشیم که مدرک تحصیلی را قدردانی از استعداد بدانییم نه آن را موانع پیش روی استعداد های افراد فرزندان خانواده های مرفه و تحصیل کرده همیشه سود بیشتری خواهند داشت. با این حال، این موقعیت سودمند نباید مانعی غیرممکن برای دیگران باشد.

۵- یادگیری مانند اثر انگشت شخصی است. سرعت یادگیری افراد، ریتم متفاوت و فاصله توجه متفاوت است. به همین دلیل نقش معلمان باید شناسایی مناسب باشد

۶- سبک های یادگیری برای ویژگی های شخصی دانش آموزان، و آنها را به سمت زمینه هایی راهنمایی می کند که برای پروفایل های یادگیری آنها مناسب تر است (چالیک و سزگین، ۲۰۰۵).

با در نظر گرفتن جهانی شدن و وضعیت پویا و در حال توسعه جامعه اطلاعاتی، اصطلاحات زیر باید مورد ارزیابی مجدد قرار گیرند: آموزش، فرد تحصیل کرده، یادگیری، مدرسه، مدیر مدرسه، معلم و دانش آموز. در این دوره جدید آموزش، ارتقای سطح مهارت، خودآموزی، خودسازی و به کارگیری کامل مهارت های فردی در پیش زمینه خواهد بود. از افراد انتظار می رود که مهارت هایی مانند یادگیری یک زندگی مبتنی بر دانش، تفکر تحلیلی، ترکیب، حل مسائل و مشارکت در یک ارتباط موثر را داشته باشند. گسترش سریع اطلاعات به افرادی نیاز خواهد داشت که بتوانند بدانند چگونه و از کجا اطلاعات را به دست آورند



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-7786

و در انتخاب خود به جای همه افراد آگاه، گزینشی باشند، به عبارت دیگر، نیاز به افرادی وجود خواهد داشت که قادر به یادگیری باشند (برایس و همکاران، ۲۰۲۰).

رشد خود افراد در فرآیند اجتماعی نقش مهمی در توسعه اصطلاح یادگیری مستمر ایفا کرد. به طور خاص، ظهور جامعه اطلاعاتی توسعه این اصطلاح را سرعت بخشید. تفاوت بین مفهوم آموزش قرن بیستم و مفهوم یادگیری مستمر قرن بیست و یکم توسط لانگ ورث (۲۰۰۳) به شرح زیر بیان شده است:

۱- اهداف: در قرن ۲۰ آموزش و پرورش اهداف و اهداف دانشگاهی محدودی را تعیین می کند و برای دستیابی به آنها در حال حاضر تلاش می کند اما در قرن ۲۱ مفهوم یادگیری مستمر نه تنها کارساز است بلکه دستیابی به اهداف فعلی و برای انتقال ارزش ها و نگرش های بلند مدت آینده به یادگیری ضروری است. به این منظور؛ ضروری است که برنامه های درسی بیشتر به مهارت های زندگی و پیوند مدرسه و زندگی بپردازد (دی، ۲۰۲۰).

۲- ارتباط با صنعت: در مفهوم آموزش بیستم، یک طرح کسب و کار کوتاه مدت ابتدایی معمولاً حول مسائل دانشگاهی وجود دارد و تلاش کمی برای آگاه نگه داشتن همه ذینفعان انجام می شود. اما در مفهوم آموزش مادام العمر قرن بیست و یکم یک استراتژی سازمانی مکتوب کامل وجود دارد که در دسترس همگان است. این طرح استراتژی مدرسه را به یادگیری مستمر توسعه می دهد و تمام جنبه های فعالیت مدرسه را پوشش می دهد. از این جهت برای ایجاد تغییر در مفهوم آموزش، لازم است طرح کسب و کار درازمدت مدرسه تدوین و در دسترس همگان قرار گیرد. همچنین لازم است استراتژی های اطلاعاتی پیشگیرانه ایجاد شود تا همه ذینفعان در کنار یکدیگر باشند.

۳- آموزش ضمن خدمت معلمان: نکته دیگر مربوط به مفهوم تعلیم و تربیت قرن بیستم این است که برخی از معلمان بر اساس نیاز یا تمایل خود دوره های آموزشی را می گذرانند و گاه به گاه سمینارهایی در مدارس فقط برای معلمان برگزار می شود. اما در مفهوم یادگیری مادام العمر قرن بیست و یکم، هر فرد در مدرسه برنامه ای برای بهبود مستمر مهارت های تحصیلی و فردی دارد که در سیستم مدیریتی تعبیه شده است و به عنوان بخشی از آن با برنامه توسعه مدرسه مرتبط است. به این منظور؛ لازم است که نه تنها دانش آموزان، بلکه معلمان و کارکنان مدیریت نیز برنامه های بهبود مستمر مکتوب را برای رشد تحصیلی و شخصی دانش آموزان تدوین کنند و باید این برنامه ها را به والدین و جامعه تعمیم داد (کاتن، ۲۰۱۸).

۴- نقش معلم: در قرن بیستم، معلمان تنها منابع انسانی برای ارائه برنامه درسی هستند و سایر منابع از دولت محلی و رویدادهای مدرسه تامین می شود. اما در مفهوم یادگیری مادام العمر، اضافه کردن نیروی انسانی با بهره گیری از مهارت ها، استعدادها و دانش فرمانداران، والدین و همه افراد جامعه با بررسی بودجه مورد اعتراض قرار می گیرد (دی، ۲۰۲۰: ۱۱۰). برای انجام این کار، علاوه بر نیروی انسانی و سایر منابع موجود در جامعه، استفاده از راهبردهای نوآورانه برای مشارکت جامعه در توسعه مدرسه ضروری است. (دانلوپ، ۲۰۱۹).

۵- برنامه درسی: یکی از تفاوت های مهم مفاهیم تعلیم و تربیت قرن ۲۰ و ۲۱ این است که برنامه های درسی مبتنی بر موضوعات مجزا بوده و بر اساس حفظ حقایق با فلسفه شکست ناموفق ارزیابی می شوند. اما در قرن بیست و یکم، برنامه درسی مبتنی بر مهارت ها و دانش، افزایش عزت نفس و پذیرش ارزش های مادام العمر است. در این جنبه، امتحانات به عنوان بررسی بخشی از فرآیند یادگیری شخصی انجام می شود. برای تغییر این مفهوم، توسعه مهارت های شخصی باید در برنامه درسی گنجانده شود. علاوه بر این، مفهوم شکست باید از سیستم خارج شود و با استراتژی های بهبود عزت نفس شخصی جایگزین شود.

۶- خدمات حمایتی: در قرن بیستم معلمان بیش از حد کار می کنند و خدمات حمایتی اندکی برای شناسایی و حل مشکلات یادگیری فردی و اجتماعی ارائه می شود. در مفهوم یادگیری مستمر، سیستم های راهنمایی، پشتیبانی و مشاوره برای همه فراگیران و خانواده های آنها در دسترس است (کاتن، ۲۰۱۸). مشکلات اجتماعی به سرعت شناسایی می شوند و راه حل های



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-7786

سریعی برای یادگیری و مشکلات اجتماعی وجود دارد. برای از بین بردن این تفاوت، لازم است سیستم های هدایت یادگیری فردی برای همه دانش آموزان به طور مکرر و مکرر معرفی شود، منابعی مانند مربیان باید در مدرسه و جامعه استفاده شوند. خانواده ها باید درگیر سیستم شوند و سیستم واکنش سریع راه اندازی شود.

۷- ارزشیابی: در قرن بیستم، برنامه درسی و مدارس بر اساس موفقیت در امتحان است. برنامه درسی اجتماعی به صورت موردی مورد بررسی قرار گرفت. برنامه های ویژه و اجتماعی وجود دارد. اما در قرن بیست و یکم؛ به دنیا می نگرند و با مشارکت در جامعه ای که در آن وجود دارد یاد می گیرد. یک برنامه درسی اجتماعی قوی برای ترویج حس تساهل و درک نژادها، عقاید و فرهنگ های مختلف ایجاد شده است. به منظور افزایش تحمل و درک در داخل و خارج از مدرسه، برنامه درسی اجتماعی فعال باید معرفی شود. شبکه های اینترنتی باید در پروژه هایی برای پیوند دادن دانش آموزان به دانش آموزان دیگر در سراسر جهان استفاده شوند (کاتن، ۲۰۱۸).

۸- روش ها و فنون آموزشی: در قرن بیستم معلم نقش گذر دهنده اطلاعات را از طریق روش های آموزشی آموزشی با استفاده از گچ، گفتگو و تمرینات کاغذی بر عهده دارد. اما در قرن ۲۱؛ معلم نقش توسعه دهنده مهارت های یادگیری را با استفاده از نیروی انگیزشی برنامه های یادگیری فعال فردی مانند ICT، چند رسانه ای و شبکه ها دارد. با هدف دستیابی به این سیستم معلمان باید در بسیاری از کاربردهای فناوری به عنوان ابزار یادگیری آموزش ببینند. فناوری اطلاعات و ارتباطات باید با برنامه های نوآورانه کامل با صنعت سرمایه گذاری شود.

۹- ارتباط با والدین: در قرن بیستم والدین به مدرسه دعوت می شوند تا در مورد پیشرفت کودک هر ترم یک بار صحبت کنند و گاهی اوقات جلسات اطلاع رسانی عمومی برگزار می شود. اما در قرن بیست و یکم است با مشارکت خانواده در زندگی مدرسه از طریق افزایش همکاری خانه و مدرسه و افزایش آگاهی آنها در مورد مشارکت فعال در رویدادهای مدرسه مخالف بود. بنابراین آنها نقش فعالی در زندگی مدرسه ایفا می کنند. (دانلوپ، ۲۰۱۹). برای این منظور باید یک راهنمای مشارکت خانواده که تمام کارهایی را که والدین می توانند برای مدرسه انجام دهند را تشریح کند. برای برقراری ارتباط با والدین می توان یک خط ایمیل باز کرد (برایس و همکاران، ۲۰۲۰).

۱۰- فعالیت های مدرسه: در مدرسه قرن بیستم، تنها یک نمایش یا نمایش یک بار در سال وجود دارد و فعالان خارج از مدرسه تنها توسط معلمان مشتاق هدایت می شوند. گاهی اوقات نمایشگاه سالانه مدرسه و روزهای ارائه وجود دارد (دانلوپ، ۲۰۱۹). در قرن بیست و یکم، افزایش اعتماد به نفس، خلاقیت و بینش فرهنگی کارکنان، والدین، کودکان و جامعه از طریق طیف گسترده ای از فعالیت های فوق برنامه امکان پذیر است. به همین دلیل، یک برنامه چشمگیر از جوامع مدرسه، فعالیت های خارج از مدرسه، فرهنگ ها، رویدادها باید ایجاد شود و در جایی که مناسب است جامعه را درگیر کند (چالیک و سزگین، ۲۰۰۵).

۱۱- چشم انداز مدرسه: در قرن بیستم، در برخی کشورها عمدتاً بر روی افراد با پیشرفت تحصیلی بالا متمرکز شده است تا از طریق موقعیت در جدول های لیگ، جذابیت برای والدین افزایش یابد. در قرن بیست و یکم، بر موفقیت تحصیلی و شخصی همه دانش آموزان به عنوان وسیله ای برای افزایش شهرت مدرسه و ارضای نیازهای جامعه متمرکز شده است (برایس و همکاران، ۲۰۲۰: ۹۵). علاوه بر این از عموم مردم دعوت می شود تا آن را به اشتراک بگذارند. به همین دلیل مدرسه باید به شدت بازاریابی شود. مهم است که بر فرصت های یادگیری مثبت برای همه کودکان، کارکنان و جامعه به طور کلی تأکید شود. مدرسه باید جدول لیگ خود را از دستاوردهای همه دور ایجاد کند (دانلوپ، ۲۰۱۹).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-7786

مفهوم یادگیری مستمر برای همه

یادگیری مستمر فرآیندی است که در آن افراد رشد دانش، مهارت‌ها و علاقه خود را به زندگی و فرصت‌های یادگیری خود حفظ می‌کنند (ریچاردسون، ۱۹۷۸). معنای یادگیری مادام‌العمر شامل فرآیندی از «گهواره تا گور» است بدون اینکه آن را به دوره‌های زمانی خاص، سال‌ها، سازمان‌ها یا مؤسسات خاص محدود کند (کرودر، ۲۰۰۴).

یادگیری مادام‌العمر فرآیندی مستمر است که در آن افراد رفتار، دانش و مهارت‌های مبتنی بر زندگی خود را حفظ کرده و توسعه می‌دهند. هدف اصلی یادگیری مادام‌العمر تقویت و بهبود کیفیت زندگی افراد از طریق توانمند ساختن آن‌ها برای رساندن پتانسیل‌های بالقوه خود به بالاترین سطح است. طبق نظر راینش (۲۰۰۷)، یادگیری مادام‌العمر را می‌توان در این سه عبارت تعریف کرد:

۱- کل نظام آموزشی باید بر تربیت دانش آموزان مادام‌العمر متمرکز شود.

۲- علاوه بر سیستم آموزشی؛ صنایع، کسب و کار و سازمان‌ها نیز به فرآیندهای یادگیری مستمر نیاز دارند.

۳- افراد، از این نظر، باید یادگیرندگان خودراهم‌راهند (پانگراس، ۲۰۱۷).

یادگیری مستمر فرآیند یادگیری است که در طول زندگی اتفاق می‌افتد. در این مورد، یادگیری مستمر به یادگیری رسمی (حمایت شده) و غیر رسمی (غیر حمایتی) اشاره دارد. یادگیری رسمی شامل، اما محدود به مشارکت در تحصیلات پس از دبیرستان است که توسط کالج‌ها و دانشگاه‌ها ارائه می‌شود. برنامه‌های اجتماعی، ایالتی، نظامی یا تحت حمایت شغلی؛ مشاوره حرفه‌ای و آموزشگاه‌های اختصاصی. یادگیری غیررسمی شامل، اما نه محدود به، جستجوی مشاوره از یک متخصص، همسالان با تجربه یا بزرگسال است. استفاده از یک کتابخانه یا مرکز منابع دیگر و راه‌اندازی یک پروژه یادگیری خودگردان - که منجر به ارزش‌گذاری یادگیری مستمر می‌شود (ریچاردسون، ۲۰۱۸).

شکی نیست که "یادگیری مستمر برای همه" بخشی ثابت از دستور کار همه برای قرن بیست و یکم است EC. سال ۱۹۹۶ را "سال یادگیری مستمر" اعلام کرد. یونسکو با یک پروژه میان‌رشته‌ای جدید به نام "یادگیری بدون مرز" وارد هزاره سوم شده است که در آن ایجاد فرهنگ یادگیری به عنوان یکی از اهداف مهم در نظر گرفته شده است (نومانولو، ۱۹۹۹).

به گفته‌ی مدیرکل آن، دکتر فردریکو مایور، «هدف از یادگیری را نمی‌توان بیش از یک آماده‌سازی اولیه برای باقی‌مانده زندگی در نظر گرفت. یادگیری در قرن بیست و یکم یک نیاز مستمر خواهد بود. این مسئولیت جوامع خواهد بود که محیطی عاری از هرگونه مانعی را فراهم کنند که در آن افراد و نهادهای اجتماعی به طور یکسان بتوانند نیازهای آموزشی خود را برآورده کنند. در انگلستان، نویسندگان «یادگیری برای موفقیت»، گزارش کمیسیون ملی آموزش پیشنهاد می‌کند که شاید مهم‌ترین وظیفه در سال‌های آینده متقاعد کردن تعداد بیشتری از مردان و زنان باشد که یادگیری برای آنهاست که می‌تواند زندگی شخصی آنها را بهبود بخشد و فرصت‌هایی برای استفاده آنها وجود دارد. در نهایت هدف، ایجاد فرهنگ یادگیری است، جامعه‌ای که در آن یادگیری یک هنجار است و سؤالی که مردم در زمانی که امکان آموزش یا آموزش برایشان پیش می‌آید این نیست که «چرا باید؟» اما «چرا نباید؟» (پانگراس، ۲۰۱۷). این موضوع در سرتاسر جهان در بیانیه‌های دولت‌ها، صنعت‌گران و متخصصان آموزشی تکرار می‌شود.

یافته‌های کنفرانس جهانی یادگیری مادام‌العمر (۱۹۹۴) همچنین راه رو به جلو را نشان داد و زمینه‌ای را مشخص کرد که در آن، «در قرن بیست و یکم، افرادی که یادگیری مادام‌العمر را تمرین نمی‌کنند، کار پیدا نخواهند کرد. سازمان‌هایی که تبدیل به سازمان‌های یادگیرنده نمی‌شوند، زنده نمی‌مانند...». ۵۰۰ نفر از ۵۰ کشور که در این کنفرانس شرکت کردند، واضح بودند که توسعه شرکت‌ها، مدارس، کالج‌ها و دانشگاه‌ها برای بقای آنها ضروری است تا مطلوب. که "چالش افراد دستیابی و حفظ قابلیت استخدامی خود از طریق یادگیری مستمر است"، "کلید یادگیری موفق انگیزه است"، که "با کنترل متمرکز شدید به دست نخواهد آمد". خبر بد این است که بر اساس گزارش میزگرد اروپایی صنعتگران در مورد یادگیری مادام‌العمر، «آموزش



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-7786

پایین‌ترین سطح سرمایه‌گذاری سرمایه را در بین صنایع بزرگ امروزی دارد». با این حال، با سرمایه‌گذاری بر روی معلمان است که به احتمال زیاد چشم‌انداز جامعه یادگیرنده محقق می‌شود (دی، ۲۰۲۰).

مدارس و یادگیری مستمر

مفاهیم کلیدی مرتبط با یادگیری مادام‌العمر به شرح زیر است: مالکیت افراد بر نیاز و محتوای یادگیری، یادگیری به جای اینکه به چه چیزی فکر کنیم، به نحوه اندیشیدن مربوط می‌شود، معلمان الگوها و مربیان یادگیری مادام‌العمر هستند تا توزیع‌کننده هدف ارزشیابی باید تشویق دانش‌آموزان به خودسازی و تسهیل‌کننده در این فرآیند باشد نه طبقه‌بندی آنها بر اساس یک هنجار و یادگیری به عنوان بخشی لذت‌بخش و ضروری در فرد تلقی می‌شود (بویناک، ۲۰۰۸). در یک مدرسه مبتنی بر یادگیری مستمر، برخی از عوامل اساسی قرار دادن دانش‌آموز و نیازهای او در مرکز، یادگیری خودراهبر از طریق یادگیری نحوه یادگیری و چرخه زندگی هستند (پانگراس، ۲۰۱۷).

امروزه یکی از نگرش‌هایی که موسسات آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی سعی در تحمیل آن به دانش‌آموزان دارند، یادگیری مستمر است. هنگامی که دانش‌آموزان از دپارتمان‌هایی که به سرعت در حال تغییر هستند فارغ‌التحصیل می‌شوند، مجبورند خود را عمدتاً از طریق حفظ یادگیری مادام‌العمر به روز کنند. علاوه بر این، زمانی که این نگرش را در سال‌های تحصیلی خود ایجاد کردند، انتظار می‌رود که وقتی معلم شدند، این نگرش را به دانش‌آموزان خود منتقل کنند. توسعه و تقویت نگرش یادگیری مادام‌العمر در دانش‌آموزان در مقایسه با سایر نگرش‌ها، مهارت‌ها و عاداتی که انتظار می‌رود دانش‌آموزان کسب کنند، تفاوت‌هایی را به دنبال دارد. توسعه نگرش نسبت به یادگیری مادام‌العمر مستلزم این واقعیت است که از دانش‌آموزان انتظار می‌رود مهارت‌های جدیدی مانند جمع‌آوری اطلاعات و همچنین ایجاد برخی نگرش‌ها و گرایش‌های خاص مرتبط با یادگیری را کسب کنند (بویناک، ۲۰۰۸).

به طور خلاصه، در کلی‌ترین مفهوم، مدارس باید به گونه‌ای سازماندهی شوند که مهارت‌های اجتماعی، مهارت‌های یادگیری و مهارت‌های زندگی و مهارت استفاده از فرصت‌ها را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهند. برای دستیابی به این هدف، باید یک برنامه درسی مبتنی بر مهارت و برنامه‌های آموزشی حمایتی نیز تهیه شود. (پانگراس، ۲۰۱۷). معلمان باید به عنوان کسانی تربیت شوند که توانایی‌های دانش‌آموزی را توسعه دهند، به انجمن‌های اولیا و مربیان اهمیت کافی داده شود و ارتباط مستمری بین معلمان، دانشگاه‌ها، حوزه‌های صنعتی و جامعه وجود داشته باشد. به طور خاص، به منظور توسعه مهارت‌های یادگیری، استفاده از نرم‌افزارهای آموزشی و فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات در مدارس و استفاده از شبکه‌های ملی و بین‌المللی باید تشویق شود.

مدارس ضمن ارائه خدمات آموزشی به‌عنوان یک نهاد، باید بهترین راه‌های تولید و ارائه دانش را نیز آموزش دهند، زیرا انتقاد بر ذهنیت سنتی مدرسه ادعا می‌کند که مدارس ممکن است به طور کارآمدی با تغییرات همگام نباشند. پترسون از رویکردهای سنتی در موارد زیر انتقاد کرد:

- مدارس فقط به موفقیت تحصیلی اهمیت می‌دهند و بنابراین برخی از توانایی‌های ذاتی افراد را محدود می‌کنند از آنجایی که مدارس محدود به تجربیات سطحی هستند که عاری از احساسات هستند. قادر به ایجاد تغییرات دائمی و اساسی نیستند.
- مدارس به عرصه رقابت برای دانش‌آموزان تبدیل شده و در نتیجه احساس ناتوانی در آنها ایجاد می‌شود اکثر دانش‌آموزان و احساسات اعتماد متقابل و همکاری را سرکوب می‌کنند. (هلتربران، ۲۰۱۶).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-7786

با توجه به چهار نکته زیر می توان مهارت های یادگیری مستمر در مدارس را سریع تر توسعه داد
۱. استفاده از راهبردهای آموزشی مختلف مهم است. از آنجایی که دانش آموزان ممکن است به روش های مختلف یاد بگیرند،
فرآیندهای آموزشی باید با این امر مطابقت داشته باشد. استراتژی های مختلف باید برای اثربخشی متحد شوند
یادگیری و فرآیندهای یادگیری فعال باید اهمیت بیشتری داده شود.

۲. برنامه ریزی، کاربرد و ارزشیابی آموزش برای آموزش و یادگیری مؤثر حیاتی است. در کلاس ها، نظام ارزشیابی در یک
مدرسه نیز باید مطابق با نظام آموزشی باشد. در غیر این صورت، بین فرآیندها ناپیوستگی ایجاد می شود و دستاوردهای
یادگیری مختل می شود (پانگراس، ۲۰۱۷).

۳. بازخورد باید معنادار و انگیزشی باشد به گونه ای که دانش آموزان را قادر سازد اشتباهات خود را تجدید نظر کنند و دوباره
مطالعه و فکر کنند. تقویت اطلاعاتی که انتظار می رود دانش آموزان داشته باشند نیز در این فرآیند گنجانده شده است. بر
اساس منطقی، این ممکن است برای همه تکالیف قابل اجرا نباشد. با این حال، هنگامی که به طور انتخابی استفاده شود، ابزار
کارآمدی خواهد بود. این نشان دهنده ارزش و احترامی است که برای دانش آموز و فرآیند یادگیری قائل است (بویناک،
۲۰۰۸).

۴. کاربرد نیز در خارج از کلاس، دانش آموزان را قادر می سازد تا مهارت ها و دانش خود را آزمایش کنند. وقتی دانش آموزان
به کاربردی بودن آموخته های خود پی ببرند، تمایل بیشتری به سرمایه گذاری در خودآموزی خود خواهند داشت. فرصت های
کاربردی می تواند به اشکال مختلف باشد. از جمله خدمات اجتماعی، مشاوره، اجرا، سمینار یا نمایشگاهی برای موزه یا کتابخانه
است (هلتربران، ۲۰۱۶).

این ادعا وجود دارد که مدارس امروزی مدارس یادگیرنده / یادگیرنده نیستند. به همین دلیل، اصرار بر توسعه الگوهای
مدرسه جایگزین وجود دارد. محبوب ترین مدل مدرسه جایگزین، مدل مدرسه یادگیرنده / یادگیرنده در نظر گرفته می شود.
با این حال، نقش نظام آموزشی در جامعه اطلاعاتی پرورش افرادی است که قادر به یادگیری هستند. و نقش مدیران آموزشی
تبدیل مدارس به مدارس با کیفیت یادگیری / آموزنده است. مدارس مدرن باید محل سازماندهی دانش باشند که نیازهای
یادگیری دانش آموزان، معلمان، مدیران، سایر کارکنان و افراد اطراف را نیز برآورده کند. در مدل مدرسه ای که جامعه اطلاعاتی
ضروری است، تصویر کلاسیک آموزشی-موسسه ای مدارس با نهادهای یادگیرنده / یادگیرنده جایگزین می شود. این را می توان
با این واقعیت توضیح داد که آموزش نباید به یک دوره زمانی خاص محدود شود. به عبارت دیگر، یادگیری مادام العمر در میان
اساسی ترین نیازهای فرد مدرن جای گرفته است. بر این اساس، الگوی انسانی مورد نیاز جامعه اطلاعاتی، فرد یادگیرنده است.
به عبارت دیگر، این فرد دانش است. مؤسساتی که قرار است افراد یادگیرنده را پرورش دهند باید سازمان های دانش و در
نتیجه مؤسسات یادگیرنده / یادگیرنده باشند (ریچاردسون و همکاران، ۲۰۱۸).

برای داشتن یک آموزش مادام العمر واجد شرایط، رضایت بخش و مدرن، افرادی که از این آموزش بهره مند می شوند، باید در
سال های تحصیلی ابتدایی و متوسطه تحصیلات واجد شرایط دریافت کرده باشند. برای اینکه آموزش بزرگسالان هیجان انگیز،
خلاقانه و روان باشد، سطح بالای تحصیلات و تجربه گذشته یک مزیت مهم در نظر گرفته می شود (بویناک، ۲۰۰۸). قبل از
اینکه کودکان تحصیلات مدرسه خود را به پایان برسانند، باید میل به "یادگیری برای یادگیری" و موقعیت سازماندهی خود را
به دست آورند. بسیاری از کودکان دبستانی مهارت های اساسی مانند خواندن، نوشتن، ریاضیات و امثال آن را کسب می کنند
تا هم در مدرسه و هم در زندگی موفق باشند. با این حال، در مقایسه با برنامه های موجود، نیاز به برنامه های درسی
انعطاف پذیرتر و برنامه های آموزشی است که منجر به یادگیری فردی می شود که از فناوری های جدید به طور مؤثر استفاده کند
و برابری بین آموزش فنی و یادگیری آکادمیک برقرار کند. کشورهای مختلف سعی در ایجاد ارتباط بین آموزش فنی و آموزش



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-7786

آکادمیک دارند. تداوم میل به یادگیری نقش یکپارچه در تنوع بخشیدن به عملکرد سیستم آموزشی ایفا می کند (یورداباکان، ۲۰۱۸).

واژه کلیدی در تحقق فعالیت یادگیری مستمر، سواد اطلاعاتی است، زیرا جامعه اطلاعاتی متشکل از افرادی است که تمام زندگی خود را یاد می گیرند. کسانی که در تمام طول زندگی خود یاد می گیرند می توانند به راحتی به اطلاعاتی که برای حل یک مشکل یا تصمیم گیری لازم است دسترسی پیدا کنند. سواد اطلاعاتی مهارت های کسب، استفاده و انتقال اطلاعات است. سواد اطلاعاتی اساس یادگیری مستمر است (پانگراس، ۲۰۱۷). برای اینکه اصول یادگیری مادام العمر را عملی کنیم، باید توسعه فردی و اجتماعی را تشویق کنیم و همچنین بر دنیای کامپیوتری مسلط شویم به طور خلاصه، برای یادگیری مستمر، محیط های اجتماعی باید در آن ایجاد شود که به افراد این فرصت داده می شود تا خود را هم از نظر شخصی و هم از نظر اجتماعی توسعه دهند و افراد باید در سواد رایانه ای که توسط نیازهای جامعه اطلاعاتی دیکته می شود، صلاحیت داشته باشند (ریچاردسون و همکاران، ۲۰۱۸).

قرار است مریدان از دانش آموزان بخواهند که مهارت های یادگیری مادام العمر را به طور کلی و مهارت های یادگیری فراشناختی و خودکنترلی را به طور خاص کسب کنند تا در حوزه های خود به روز بمانند. در این زمینه، روش هایی مانند یادگیری مبتنی بر مسئله، یادگیری آگاهانه، آموزش متقابل و کارآموزی شناختی توصیه می شود که پتانسیل یادگیری مستمر دانش آموزان را توسعه می دهد. این روش ها مهارت های یادگیری فراشناختی و خودکنترلی را برای یادگیری مستمر فراهم می کنند. یعنی روش های آموزشی مانند یادگیری مبتنی بر مشکل، یادگیری آگاهانه، آموزش متقابل و کارآموزی شناختی و فعالیت های انگیزشی طبیعی و راهبردهای آموزشی مشابه مانند همکاری، تأمل و استقلال دانش آموز. توسط افراد به کار گرفته می شوند تا در دنیای امروز به روز بمانند.

ویژگی های مدارس که یادگیری مادام العمر را هدف می گیرند

- ۱- دارای یک استراتژی سازمانی مکتوب، در دسترس همگان، برای توسعه پتانسیل انسانی کامل هر دانش آموز و کارمند؛
- ۲- دانش آموزان و کارکنان را در حفظ فرهنگ کیفیت و احترام به استانداردهای بالا در هر کاری که انجام می دهد و در برنامه های بهبود مستمر برای کارکنان مشارکت می دهد (چلیک و سکرگ، ۲۰۰۵).
- ۳- منابع در دسترس مدرسه را با بهره گیری از مهارت ها، استعدادها و دانش مدیران، والدین، رهبران کسب و کار و سایر اعضای جامعه افزایش می دهد تا یادگیری جدید ایجاد کند.
- ۴- با دنیای کار پیوند برقرار می کند که دانش و تجربه دانش آموزان را غنی می کند و رویکرد "یادگیری" به زندگی بزرگسالان؛
- ۵- یک برنامه درسی مبتنی بر افزایش مهارت ها و ارزش های شخصی برای بهبود دانش و درک و توانمندسازی دانش آموزان برای مدیریت تغییر در طول زندگی خود ایجاد می کند (پانگراس، ۲۰۱۷).
- ۶- از فناوری های نوین اطلاعات و ارتباطات به طور گسترده در همه رشته ها، از جمله اکتشاف فرصت های یادگیری مشارکتی از طریق شبکه ها استفاده می کند.
- ۷- به دنیا می نگرد و حس بردباری، عدالت، و درک نژادها، عقاید و فرهنگ های مختلف را در همه دانش آموزان ترویج می کند.
- ۸- همکاری خانه و مدرسه را تحریک می کند و خانواده را در زندگی و کار مدرسه مشارکت می دهد.
- ۹- یادگیری مستمر را در همه دانش آموزان و کارکنان خود با مشارکت دادن آنها در توسعه برنامه های یادگیری شخصی، راهنماها و مریدان گسترش می دهد.
- ۱۰- بینش کارکنان و دانش آموزان را از طریق طیف وسیعی از تجربیات فرهنگی و فعالیت های فوق برنامه؛



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-7786

۱۱- یادگیری را به طور مکرر به عنوان یک عادت مطلوب، دائمی و لذت بخش برای همه جشن می گیرد (ریچاردسون و همکاران،).

پدیدارشناسی یادگیری مستمر: چالش‌ها و فرصت‌ها

چالش‌ها:

۱. تغییر ساختار سنتی مدارس: پیاده‌سازی یادگیری مستمر نیاز به تغییرات جدید در ساختارهای آموزشی دارد. این چالش شامل تغییر نگرش از کلاس درس مرکزی به فرآیند یادگیری مبتنی بر تجربه و تعامل فعال فرد با محتواست.
۲. نیاز به توسعه مهارت‌های انعطاف‌پذیری: مدارس برای مواجهه با تحولات مستمر و تغییرات نیازمند مهارت‌های انعطاف‌پذیری در مدیران، معلمان، و دانش‌آموزان هستند. این انعطاف‌پذیری شامل توانایی تطبیق با محتواها، فناوری‌ها، و روش‌های جدید آموزشی است.
۳. مدیریت اطلاعات و دانش: یادگیری مستمر منجر به افزایش حجم داده‌ها و اطلاعات می‌شود. مدارس نیازمند توانمندی در مدیریت این داده‌ها برای بهبود فرآیند تدریس و یادگیری هستند و این چالش می‌تواند در بهره‌وری این فرآیند تأثیرگذار باشد.
۴. مقاومت در برابر تغییر: تغییرات گاهی با مقاومت مواجه می‌شوند، به ویژه در محیط‌های سنتی آموزشی. افراد و نظام‌ها ممکن است به دلیل عدم آشنایی با یا ترس از تغییرات، با یادگیری مستمر مخالفت کنند.

فرصت‌ها:

۱. ارتقاء خلاقیت: یادگیری مستمر فرصتی فراهم می‌کند تا خلاقیت و تفکر نوآورانه در دانش‌آموزان و معلمان ارتقا یابد. این امکان به دست آمدن مهارت‌هایی همچون حل مسائل، تفکر انتقادی، و تعاملات خلاق را افزایش می‌دهد.
 ۲. توسعه مهارت‌های فردی: این مدل یادگیری به افراد این امکان را می‌دهد تا به مهارت‌های خود بر اساس نیازها و تغییرات در جامعه بیافزایند، که این بهره‌وری و پیشرفت فردی را تقویت می‌کند.
 ۳. تحول در روش‌های ارزیابی: ارزیابی در یادگیری مستمر بر پایه تجربه و عملکرد فرد استوار است، که به معلمان امکان می‌دهد بر اساس داده‌های واقعی بهبودهای لازم را اعمال کنند و به دانش‌آموزان بازخورد دقیق‌تری دهند (ریچاردسون و همکاران، ۲۰۱۸).
 ۴. افزایش تعاملات اجتماعی: یادگیری مستمر به دانش‌آموزان فرصت می‌دهد تا از تجربیات همدیگر بهره‌مند شوند و از طریق تعاملات اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی خود را بهبود بخشند (حسنی ساطحی و همکاران، ۱۳۹۵).
- با توجه به این چالش‌ها و فرصت‌ها، اندیشیدن به تدابیری مناسب برای پیاده‌سازی یادگیری مستمر در مدارس معاصر ضروری است تا این مدل آموزشی به صورت مؤثر و پایدار در سیستم آموزشی جا بیافتد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-7786

راهکارها و استراتژی‌ها

۱. آموزش معلمان:

آموزش معلمان در زمینه استفاده از فناوری‌های نوین، توسعه مهارت‌های انعطاف‌پذیری و ارتقاء توانایی‌های تدریس مبتنی بر یادگیری مستمر، اولین گام در مواجهه با چالش‌های این مدل است.

۲. توسعه بسترهای فناوری اطلاعات:

ساخت بسترهای فناوری مطلوب و قابل تنظیم برای انتقال داده‌ها و اطلاعات مرتبط با یادگیری مستمر، نقطه کلیدی در ارتقاء مدیریت اطلاعات و دانش در مدارس می‌باشد.

۳. ترویج فرهنگ یادگیری مستمر:

ایجاد فرهنگی که یادگیری مستمر را ترویج کند، نه تنها در دانش‌آموزان بلکه در معلمان و مدیران مدارس نیز ضروری است. این فرهنگ به افراد این امکان را می‌دهد تا از خود بپرسند و به تداوم به دنبال یادگیری جدید بروند.

۴. بهبود ساختارهای ارزیابی:

اصلاح ساختارهای ارزیابی به سمت ارزیابی مداوم عملکرد و پیشرفت فردی می‌تواند افراد را به تعامل فعالتر با فرآیند یادگیری تشویق کند و از آنها بازخورد مناسبی دریافت شود.

۵. ایجاد ارتباط بین مدرسه و جامعه:

توسعه ارتباط فعال مدرسه با جامعه، افراد را به جهت تعامل با محیط اجتماعی و درک بهتر نیازهای آن تشویق می‌کند و این تعاملات می‌تواند به بهبود فرآیند یادگیری کمک کند.

۶. اعتنا به توانمندی‌های فردی:

ترکیبی از دوره‌های آموزشی و فرصت‌های توسعه فردی، می‌تواند به افراد این امکان را بدهد که مهارت‌ها و توانمندی‌های فردی خود را بهبود دهند و به‌طور فعال در فرآیند یادگیری مستمر شرکت کنند.

۷. ایجاد فضای یادگیری تعاملی:

فضاهای آموزشی باید امکان فعالیت‌های تعاملی، گفتگوهای گسترده و تبادل تجربیات را فراهم کنند تا دانش‌آموزان و معلمان بتوانند بهترین بهره‌وری از فرآیند یادگیری مستمر را ببرند (حسنی ساطحی و همکاران، ۱۳۹۵).

در نهایت، ترکیب موفق از این راهکارها و استراتژی‌ها می‌تواند به مدارس کمک کند تا به چالش‌های یادگیری مستمر پاسخ دهند و از فرصت‌های ارائه شده توسط این مدل به‌صورت بهینه استفاده کنند.

نتیجه‌گیری

در بحرانی که جوامع دنیا امروزه با تغییرات سریع و نوآوری‌های فناورانه مواجه هستند، اهمیت انتقال از دیدگاه سنتی یادگیری به سوی یادگیری مستمر در مدارس چشمگیر است. این انتقال نه تنها چالش‌های جدیدی را ایجاد کرده است بلکه فرصت‌های فراوانی را نیز به همراه داشته است. در مسیر تحول از یک مدل آموزشی سنتی به سمت یک محیط آموزشی پویا، چالش‌های زیادی وجود دارد. از جمله مهم‌ترین چالش‌ها می‌توان به تغییرات ساختارهای آموزشی اشاره کرد. افراد و سازمان‌ها باید با ذهنیتی انعطاف‌پذیر و بازتر به دیدگاه‌های جدید به سمت ارتقاء یادگیری مستمر حرکت کنند. همچنین، مواجهه با مقاومت در برابر تغییر از سوی برخی اعضای جامعه آموزشی نیز امری حیاتی است. تغییر یک فرهنگ چند دهه‌ای نیازمند زمان و تلاش‌های فراوان است. اما به همراه این چالش‌ها، فرصت‌های فراوانی برای ارتقاء سطح یادگیری، توسعه مهارت‌های نوین، و ایجاد فرآیند یادگیری پویا و جذاب وجود دارد (ریچاردسون و همکاران، ۲۰۱۸).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-7786

اصلی چنین محیطی تجدید اطلاعات و مهارت های موجود و در نتیجه نیاز به یادگیری مستمر است. تکنولوژی به سرعت در حال توسعه و افزایش شدید در مقدار دانش تا حد زیادی به جهانی شدن کمک کرده است. امروزه با جهانی شدن، تولید اطلاعات معتبر و کاربرد آن در حوزه های جدید، قدرت اساسی تعیین کننده رقابت ملی و بین المللی بوده است. (بویناک، ۲۰۰۸). اطلاعات منبع اصلی ثروت ملت ها بوده است. تولید و استفاده از اطلاعات معتبر، که منبع ثروت خواهد بود، بر این اساس مسئولیت های جدیدی را بر دوش سیستم های آموزشی و مدارس گذاشته است. امروزه یکی از بزرگ ترین وظایف مدارس تربیت افرادی است که دانش، مهارت، ارزش ها و رفتار لازم را در دنیای جهانی شده دارند و در عین حال میراث فرهنگی موجود را به نسل های جدید منتقل می کنند (هلتبران، ۲۰۱۶).

با افزایش سریع اطلاعات، نیاز به فردی وجود خواهد داشت که به جای دانستن همه، بتواند بداند کدام اطلاعات را از کجا و چگونه به دست آورد، چه کسی انتخابی است، یا به عبارت دیگر، چه کسی قادر به یادگیری است (نومانو آ. تافلر می گوید: «جاهل از آینده، کسی است که نمی داند بدانید چگونه یاد بگیرید؛ نه یک بی سواد» به وضوح نشان دهنده اهمیت دانستن راه ها و روش های یادگیری در عصر جدید است برای اینکه نظام آموزشی همگام با الزامات جامعه اطلاعاتی و جهانی شدن باشد، باید اهداف آن به گونه ای بازتعریف شود که پاسخگوی نیازهای عصر باشد (پانگراس، ۲۰۱۷).

متمایزترین جنبه برنامه های آموزشی در جامعه اطلاعاتی اصل «تداوم یادگیری» است. افراد باید به طور مداوم در یک جامعه اطلاعاتی یاد بگیرند. در نتیجه، کارکرد اساسی مدرسه افزایش توان یادگیری دانش آموزان به جای آموزش افراط خواهد بود. به عبارت دیگر، آموزش اجباری باید دارای ویژگی هایی باشد که دانش آموزان را برای یادگیری مستمر آماده کند و مهارت های خودآموزی آنها را توسعه دهد (بویناک، ۲۰۰۸: ۹۵). اساسی ترین مؤلفه توسعه یادگیری مستمر در مدارس در درجه اول مستلزم آن است که مربیان خود یادگیرنده مادام العمر باشند. به این معنا، مربیان باید در درجه اول بررسی کنند.

در پایان، می توان نتیجه گیری کرد که یادگیری مستمر به عنوان یک رویکرد نوین، با چالش ها و فرصت های خود در محیط مدارس معاصر روبرو است. توسعه مهارت های انعطاف پذیری در مدیران و معلمان، بهبود ساختارهای سنتی آموزشی، و ارتقاء فرهنگ یادگیری مستمر از جمله اقدامات مهمی هستند که باید در جهت پیشرفت این مدل آموزشی انجام شوند. با ایجاد بسترهای مناسب فناوری اطلاعات، ترویج فرهنگ یادگیری مستمر، و تغییر سیاق ارزیابی به سمت ارزیابی مستمر و دائمی، مدارس می توانند از این مدل آموزشی به بهترین نحو بهره مند شوند. تلاش های هماهنگ و همکاری میان اعضای جامعه آموزشی، اولیه ای برای موفقیت در پیاده سازی یادگیری مستمر در مدارس معاصر به شمار می آید (لانگورث، ۲۰۰۳).

مراجع

- ۱- حسنی ساطحی، عیسی و رئیسی شیخویسی، احمد و سعیدی، اصغر و قنبری میلانی، مجید، (۱۳۹۵)، یادگیری مستمر دانش آموزان ابتدایی و بررسی آن در پیشرفت تحصیلی، دومین کنفرانس سراسری دانش و فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روانشناسی ایران، تهران.
- 2- Boynak, F. (2008). Bilgisayar destekli devre tasarımı dersi uygulaması. The Turkish Online Journal of Educational Technology – TOJET. 3 (1). 91-98
- 3- Bryce, J.& Withers, G. (2003). Engaging secondary school students in lifelong learning. Australia: Australian Council for Educational Research.
- 4- Bryce, J., Frigo, T., McKenzie, P. & Withers, G. (2020). The era of lifelong learning: Implications for secondary schools. Australia: Australian Council for Educational Research. 9(5), 90-99.



- 5- Çalık, T&Sezgin, F.(2005). Globalization, information society and education. Kastamonu Education Journal, 13(1), 55-66.
- 6- Çelik, V. (2019). Okul kültürü ve yönetimi, Ankara: PegemA Yayıncılık.
- 7- Conford, I.R.(2022). Learning-to-learn strategies as a basis for effective lifelong learning. International Journal of Lifelong Education, 21(4),357-368.
- 8- Cotton, K. (2018). From high school student to lifelong learner your route to independence. Washington: Northwest Regional Educational Laboratory,8(5),24-32
- 9- Crowther, J(2004). “In and against” lifelong learning: Flexibility and the corrosion of character. International Journal of Lifelong Education, 23(2), 125-136.
- 10- Day, C. (2020). Teachers in the twenty-first century: Time to renew the vision. Teachers and Teaching: Theory and Practice, 6 (1), 106-115.
- 11- Dunlop, J.C. (2019). Preparing Students for Lifelong Learning: A Review of Instructional Methodologies,
- 12- Helterbran, V.R. (2015). Lifelong or school-long learning a daily choice. The Clearing House, 78(6), 261-264.
- 13- Kılıçcı, Y. (2020). Okulda ruh sağlığı, Ankara: Anı yayıncılık.
- 14- Knapper,C.K, & Cropley, A.J. (2017). Lifelong learning in higher education, 3. Ed. London: Kogan Page.
- 15- Longworth, N. (2003). Lifelong learning in action, London: Kogan Page.
- 16- Numanolu, G. (1999). Bilgi toplumu-eitim yeni kimlikler-II: Bilgi toplumu ve eğitimde yeni kimlikler. Ankara Üniversitesi Eğitim Bilimleri Fakültesi Dergisi. 32, (1-2), 341-350.
- 17- Pongratz, E.M. (2015). Lifelong learning in young adult literature. Unpublished doctorate thesis, The Pennsylvania State University. Proceedings of Selected Research and Development Presentations at the 1997 National Convention of the Association for Educational Communications and Technology.
- 18- Reinsch, E. (2007). The relationship among lifelong learning, emotional intelligence and life satisfaction for adults 55 years of age or older.Unpublished doctorate thesis, University of Illinois.
- 19- Richardson, P.L.&others. (2018). Lifelong learning and public policy. Washington:D.C.U.S.Government Printing Office.
- 20- Yurdabakan,I. (2018). Küreselleşme konusundaki yaklaşımlar ve eğitim. Eğitim Araştırmaları 6: 61-64.